

فوران

درفش رزم

هوا ابر است
وسردی همچو چنگیز و هلاکو
در شکستن بیشتر از پیش میتازد
که یخندان کند روی زمین را
تا قناریها
دگر پرواز نتوانند
در این روزها که پائیز ستمکاری
بسان ابرهای تیره و تار زمستانی
ز آسمان بر این آزاده مردم
راکت و خمپاره و آتش
بسان برف میبارد
و میخواهد که تا پژمرده سازد
این همه گلهای زیبای شقایق را
بیانید همنبردان
تا درفش رزم خورشید را دگر بار برفراز بام دنیا
برفروزانیم
نویدی از بهار و رزم پیکار را
برای توده های خلق ز حمتکش
چو گلهای شقایق ها
برا فشانیم
کنون از دور هویدا است
شکست ببر غول پاکلین سود و سرمایه
که هر روز مرگ سود خویش را در خواب می بیند
فروافتادگی بحران مالی سود و سرمایه
شکست بانکداران جهان خواران جنگ افروز استعمار را
فریاد میدارد
که این دیوجبروت و ستمکاری خونخواران استعمار و استثمار
بگودال تباهی و تجاوز و شکست محکوم میگردد
عزیزان همنبر دان دوستان
ای خلق ز حمتکش
غریو شورش توفنده و پیکار
خلق های جهان چون بهمن و آذرخش
پیام رزم از خورشید می آرد
و طوفان میکند برپا
ز عصبانیتش
ز طوفانش
جهان سود و سرمایه
بسان نعش گندیده
به آشغالدان تاریخ چون کثافت
در غروب مدفون میگردد
جهان عدل و داد و مردمی در انتظار ماست

